

تخصص

نشریه بسیج دانشجویی تحریر  
دانشگاه فرهنگیان  
پردیس شهید باهنر اصفهان  
سال چهارم / شماره بیست و هشتم  
آبان ۱۳۹۷ / توزیع رایگان

۱۳ آبان، انقلاب دوم

تا ثریا می رود دیوار راست!

مردم به چه کسی رای می دهند؟

دانش آموزانی که زیرزمین درس می خوانند

سر درگمی شخصیت های کتاب فارسی ابتدایی

از خالکوبی و سفره خانه تا خانطومان و شهادت

استفاده از ظرفیت های طنز برای رسیدن به جامعه متعالی



I WILL STAND

AGAINST

YOU



نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان  
پردیس شهید باهنر اصفهان  
سال چهارم شماره بیست و هفتم /  
آبان ۱۳۹۷ / توزیع رایگان

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، پردیس  
شهید باهنر اصفهان  
مدیر مسئول:  
محمد رضا بختیاری

صاحب امتیاز:

چند نکته:

۱. این نشریه از مقالات و مطالب دانشجویان محترم استقبال می کند.
۲. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.
۳. مطالب صرفاً بیان کننده دیدگاه شخصی نویسنده است.
۴. از آنجایی که نشریه با هزینه بیت المال و به صورت رایگان تهیه می شود، لطفاً بعد از مطالعه در اختیار دوستان قرار دهید.
۵. لطفاً پیشنهادات و انتقادات در به ما ارسال کنید.

سر دبیر:

امیر عباس آقابابایی  
زیر نظر شورای سردبیری  
دبیر واحد سیاسی:  
محمد صادق اسکندری

دبیر واحد فرهنگی:  
امیر حسین امینی

دبیر واحد دانشجویی:  
محمد علی حاجیان

دبیر واحد صنفی آرایشی:  
امیر حسین حیدری

تایپ و پشتیبانی:  
عباس بنار، آرمین صفی زاده

روابط عمومی:  
محمد جواد زاهدی

ویراستار:  
امین سلطانی

سامانه پیامکی:  
۰۰۶۱۳۲۲۲۲۲

نشریه دارای اسماء متبرک است  
و حفظ حرمت آن به عهده خواننده می  
باشد.

tahrir.cfu@gmail.com  
tahrircfu.blog.ir  
bpbi.blogfa.com



اقتصاد ، علم تخصیص بهینه منابع می باشد . اقتصاد کار آمد در گرو استفاده بهینه منابع محدود در جهت رشد اقتصادی ، اشتغال زایی و کاهش تورم است . در حال حاضر نرخ بیکاری با توجه به نرم جهانی از شاخصه های بارز نا کارآمدی اقتصاد کشور می باشد که نیازمند برنامه ریزی اصولی و صحیح در جهت اشتغال زایی است . همچنین با توجه به قانون اساسی ، حکومت موظف است با پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی ، هر نوع محرومیت در زمینه کار را بر طرف کند .

سیاست گذاری های حوزه اشتغال طی سه دهه گذشته از منطق خاصی پیروی نمیکنند . سردرگمی و نبود برنامه ریزی در تخصیص هزینه ها باعث هدر رفتن بخش زیادی از سرمایه ها در پروژه های بی نتیجه شده است که نمود آن در ناتوانی باز پرداخت وام ها و نیز استفاده از این وام ها در بخش های غیر مولد و سودا گر دیده میشود . این موارد غیر از این است اساساً بسیاری از شغل های ایجاد شده توسط بنگاه ها مورد نیاز جامعه نیست و تنها درآمد دیگر واحد های فعال در آن زمینه را با خود تقسیم میکند بدون آن که در آمد جدیدی تولید کند .

به نظر میرسد مشکل اصلی شکست طرح های دولت تا کنون ، بیش از آنکه متوجه خود این طرح ها باشد به نوع نگاه حاکم بر مساله اشتغال بر میگردد . وجهه مشترک تمامی طرح ها محوریت مساله اشتغال به عنوان یک علت است نه معلول . یعنی دولت ها اشتغال زایی را یک امر مستقل میبینند که فی ذاته موضوعیت دارد نه یک مسئله تبعی اقتصاد که با رونق صنعت و کشاورزی این معضل نیز حل شود .

همانطور که به مسئله اقتصاد اشاره شد همه ی ما می دانیم که یکی از مسائل مهم که در اشتغال تاثیر دارد این امر است ، که این اشتغال یکی از مسائل مهم دانشجویان بعد از اتمام دانشگاه میباشد ، که این امر تا حدی سخت و غیر ممکن شده است ، ولی اگر دانشجویان نسبت به مسائل اقتصادی دانش حداقلی داشته باشند می توانند با جهت گیری های درست ، دولت را موظف به بهبود این وضع بکنند و از سیاست گذاری های غلط که منجر به تباهی و فساد اقتصادی بشود جلوگیری کنند که این امر تنها با حضور به موقعه صورت میگیرد .



## محمد صادق اسکندری

## ۱۳ آبان، انقلاب دوم

ضمن عرض تبریک به مناسبت حلول ماه ربیع الاول و قدردانی و تشکر از حضور دانشجویان و دانش آموزان و ملت همیشه در صحنه ایران برای برپایی مناسبت ۱۳ آبان با عزمی راسخ تر و قوی تر از هر سال با توجه به شرایط موجود کشور و فشارهای بی امان دشمن ملت عزیز ایران بالاخره انتظارات به پایان رسید و بعد از شانتاژهای رسانه‌ای و جنگ روانی به راه افتاده توسط شخص رئیس جمهور آمریکا و ائتاق جنگ اقتصادی آمریکا با فرارسیدن ۱۳ آبان، آمریکا تمامی تحریم‌هایی که به اصطلاح متوقف شده به وسیله توافق هسته‌ای (برجام) بود را دوباره بر گرداند و دیواری که با خشت کج بنا نهاده شده بود بیش از ۵ سال دوام نیاورد و فرو ریخت.

با گذشت چند روز از تصمیم آمریکا و ترامپ اما عقب نشینی گام به گام آمریکا پایانی بر شوی تبلیغاتی و جنگ روانی به راه افتاده توسط ضد انقلاب و شخص ترامپ رئیس جمهور آمریکا است. از معافیت‌ها و استثنائاتی که برای کشور های مهم همکار اقتصادی با ایران گرفته تا قرار دادن شرکت های منحل شده در لیست تحریم های جدید. اما در داخل که حدود چند ماهی درگیر جو رسانه ای دشمن شده بود و متاسفانه با شنیدن صدای طبل جنگ اقتصادی بعضی ها وا دادند و بعضی ها نیز روی به چپاول و احتکار و کردن خون مردم در شیشه آوردند. از هجوم به فروشگاه ها گرفته تا شایعه قحطی بزرگ روی بعضی ها متاسفانه اثر گذاشت و با به وجود آمدن وضعیت اسفناک بازار ارز و سکه و فساد های دولتی جو روانی جامعه متاسفانه بسیار حالت آشفته به خود گرفت...

اما با گذشتن از ۱۳ آبان جو آشفته روانی، آرامش نسبی گرفته و آمریکا می توان گفت هرچه داشت رو کرد و با کمک ضد انقلاب این شرایط بد روانی را گسترش داد اما او نتوانست ماهیت اصلی روز سیزدهم آبان یعنی همان مبارزه با استکبار جهانی را تغییر دهد و با حضور چشمگیر ملت غیور ایران این روز برای همیشه سیزدهم آبان روز استکبارستیزی و مبارزه با استکبار جهانی قرار گرفته بود که هیچ با این اتفاق برای همیشه ابدی شد.

طبق گفته رهبری این توافق تجربه ای شد برای همگان، می توان گفت تنها مزیت این توافق این بود که صدای درون کشور متحد شد و واقعا آمریکا را الان چه مردم و چه دولتمردان غیر قابل اعتماد می دانند و این گفته ای بود که چند سال پیش خیلی ها بر زبان آوردند اما گوش شنوایی نبود. مسئولین فعلی روی به سخنانی آورده‌اند که قبلا منتقدین همین سخنان بودند و حال همه را دعوت به وحدت و این که با کمک همدیگر تحریم‌ها را دور می‌زنیم و دوباره ایران را می‌سازیم می‌زنند.

جای شکرش باقی است که تفکر غرب پرستی امروز برای کسی معنا ندارد و روز به روز کم رنگ میشود، کسانی که یک روز می گفتند باید با کدخدا ببندیم الان او را غیر قابل اعتماد و منزوی شده می‌دانند. ما از مسئولین هم این خواسته را داریم که دیگر دوران نگاه به غرب و آمریکا با وجود تجربه برجام به پایان رسیده و اگر نگاهشان را به درون کشور متوجه سازند به این یقین می‌رسند آمریکا را می‌توان از این منزوی تر نیز کرد و حتی با دوباره تحریم کردن ملت و دولت ایران، این ملت و دولت ایران خواهند بود که دوباره ایران خود را محکم تر از قبل می‌سازند و با عزمی راسخ تر از ۴۰ سال گذشته راه و هدف خود را ادامه خواهند داد. با حمایت از جوانان، نخبگان و متخصصان بومی،

باور به نیرو و دانش داخلی، ایستادن به روی پای خود البته با استفاده از تدبیر و نبوغ ناب ایرانی و الگو گرفتن از ابعادی که در آن رشد چشمگیر داشتیم و در دنیا حرف اول را می‌زنیم و ... همه این‌ها می‌تواند نقشه راه ما باشد برای ادامه مسیر و شرط همه این‌ها دل‌کندن از غرب و آمریکا و شعار سر در وزارت امور خارجه ایران است که می‌گوید:

نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی

زهرا سادات صفوی

## مردم به چه کسی رای می‌دهند؟

این روزها وضع موجود ضربان قلبی است که برای همه دردناک شده است. حال بپرسیم مقصر اصلی کیست؟! هر کسی جبهه ای یا شخصی را مقصر می‌داند ولی خوب است که به عقل رجوع کنیم، از آنجا که حکومت ما دیکتاتوری نیست و هزاران خدم و حشم در دستگاه حکومت مشغول کاری هستند پس مقصر وضع موجود یک شخص نیست، هر کسی وظایفی دارد و حال می‌بینیم بی‌کفایتی و بی‌عرضگی بعضی از مسئولین وضع موجود را رقم زده است. این مسئولین را چه کسانی انتخاب کرده‌اند؟ نمایندگانمان در مجلس! و این نمایندگان را چه کسانی انتخاب کرده‌اند؟ خودمان! اصلا مگر هر اتفاقی که می‌خواهد در مملکت اتفاق بیفتد در مجلس مطرح نمی‌شود؟ پس چرا کاری نمی‌کنند؟! از زمانی که بازار وعده وعیدهایشان داغ شد و ما به آن‌ها اعتماد کردیم و باید بگوییم نتراشیده و نخراشیده به آن‌ها رأی دادیم باید می‌فهمیدیم که این وعده‌هایی که آن‌ها می‌دهند نه تنها در حیطه کاری یک نماینده نیست بلکه اصل تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی را خدشه دار می‌کند

در ابتدا این سوال مطرح می‌شود که آیا اساسا در انتخابات مجلس، کاندیداهای نمایندگی می‌توانند وعده‌های انتخاباتی دهند یا خیر؟ پرسش مقدم‌تر این است که آیا ضرورتی برای وعده دادن وجود دارد؟ برای جواب به این پرسش‌ها باید از جایگاه مجلس در نظام‌های مدرن و دموکراتیک سخن گفت.

در اهمیت جایگاه مجلس همین بس که نخستین فصل از قوای حکومتی را در قانون اساسی به خود اختصاص داده و وظایف گسترده ای دارد.

در واقع نامزدهای نمایندگی غیر حزبی نمی‌توانند وعده‌های انتخاباتی دهند. در چنین ساختاری این نامزدها چاره ای ندارند جز این که وعده‌های محلی بدهند نه ملی.

افرادی که در یک حوزه انتخابیه به صورت منفرد و غیر مرتبط با اندیشه حزبی در انتخابات وارد می‌شوند جز اینکه درباره مسائل ملی شعارهای کلی بدهد چاره‌ی دیگری ندارد. ولی در مسائل محلی می‌توانند انواع و اقسام وعده‌ها را بدهند. وعده‌هایی که لزوما در چارچوب وظایف و اختیارات یک نماینده مجلس نیست. وعده‌هایی همچون احداث یک راه یا پروژه مشخص، تغییر مدیران محلی، آسفالت و... حال آن که نمایندگان در دو مقوله قانون گذاری و نظارت اختیاراتی دارند و برای تحقق چنین وعده‌هایی چاره ای جز متوسل شدن به بخش های اجرایی ندارند، بنابراین مساله اصلی و مهم در فهم وعده‌های انتخاباتی، ساختار انتخاباتی مجلس است.

اگر فردی در حزب فعال نبوده و به عنوان نماینده انتخاب شود در مجلس نیز به صورت مجزا و فردی تصمیم گیری خواهد نمود که نمی‌تواند تحلیل خوبی در امور کشور داشته باشد. به همین دلیل است که پس از ورود به مجلس مدت ها طول می‌کشد با موضوعات کشور آشنا شود.

وجود شکل گیری مجلسی با وعده‌های محلی قطعا به نفع کشور نخواهد بود. بنابراین دادن وعده‌های محلی و منطقه ای که به وفور داده می‌شود برای اداره امور از سوی نامزدها عملا بلا مانع بوده و اگر وعده‌ای هم داده شود در عمل بیهوده و غیر قابل اجرا و بدون تضمین خواهد بود.

دادن وعده های ریز و درشت برای جلب آرا راهکار خوبی برای جلب آرای مردم نیست. بلکه می‌توان با حضور در بین مردم صادقانه مشکلات را گفت و راه چاره را نشان داد.

قطعا مردم هم به چهره ها رای نمی‌دهند بلکه به برنامه - آن هم برنامه واقعی و عملی - رای خواهند داد. مردم به سوابق و عملکرد کاندیدا نگاه کرده و تصمیم می‌گیرند.



## به بهانه انتشار سند پایه الگوی پیشرفت اسلامی ایران

دکتر حسین زندی

دانشگاه امام صادق (ع)



آن‌ها تلقی می‌شود. شایسته است که هر عضو این جامعه خصوصاً دانشجویان که ذهنشان هنوز در قالب‌های مرسوم شکل نگرفته است، متن مذکور را مطالعه نموده و آن را نزد خود تحلیل کنند. به اعتقاد نگارنده، این متن در بهترین حالت، ترکیبی است از بخشی از مبانی ارزشی ملت مسلمان ایران (و نه همه آن)، نسخه به روز شده ای از سند چشم انداز و ترکیبی ناقص، غیرمنطقی و غیرمنسجم از اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی که محتوی هیچ ایده روشنی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیست. هیچ نوع منطق هماهنگ کننده‌ای در خصوص پنج بخش این متن و ارتباط هر بخش با بخش قبلی و بعدی آن وجود ندارد. گویی هر یک از اندیشکده‌های این مرکز مسؤل تهیه یکی از این بخش‌ها بوده و سپس به شکلی ناشیانه آن‌ها را به هم وصله کرده اند.

۶- متن الگوی پایه ایرادات فراوانی دارد که در این یادداشت مجال پرداختن به آن‌ها نیست. اما ابتدایی‌ترین نکته ای که از آن دریافت می‌شود، فقدان برداشتی روشن از چیستی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است که در جای جای این متن خودنمایی می‌کند.

۷- با توجه به مطالب یاد شده و اهمیت فراوان مقوله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سزاوار است که اندیشمندان جامعه از جمله دانشجویان، با توجه به نتیجه ضعیف عملکرد این نهاد در سند منتشر شده، به مطالبه از مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به عنوان متولی تدوین الگو بپردازند. سند منتشر شده این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این مرکز هم قرار است مانند بسیاری از نهادهای کشور، فاقد کارایی مورد انتظار بوده و با صرف بودجه‌های آنچنانی، صرفاً محملی برای تمتع و خودنمایی بدنه مدیریتی آن باشد؟ به نظر می‌رسد بدنه دانشجویی کشور و تشکل‌های دانشجویی همچون بسیج دانشجویی و ... باید با درک اهمیت این مسأله، به وظیفه مطالبه‌گری خود پرداخته و در خواست تغییر در بدنه مدیریتی این نهاد اساسی را در دستور فعالیت‌ها و مطالبات خود قرار دهند.

الگوهای توسعه غربی هستند و سیاستگذاری در عرصه های حکمرانی عموماً تحت توصیه‌های سیاستی سازمان های جهانی همچون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... که به نحوی تثبیت کننده و استمرار بخش استعمار نو در جهان هستند صورت می‌پذیرد. لذا ساختار حکمرانی کشور، فاقد انسجام و پیوستگی و ارتباط منطقی بین اهداف و آرمان‌های نظام از سویی و نهادها و سیاست‌های متناظر با آن از سوی دیگر است. این مسأله ریشه در عدم برخورداری از یک الگوی جامع و بومی پیشرفت است که مولد مسائل و مشکلات روزافزون برای کشور است.

۴- تدبیر رهبری انقلاب برای تولید نظری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تأسیس نهادی فراقوه ای با همین عنوان بود. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۰ با حکم مستقیم رهبر انقلاب شکل گرفت. طبق تصریح موجود در این حکم، «فراهم‌سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه»، به عنوان مهمترین رسالت این مرکز بیان شده است. توجه به این نکته ضروری است که دانشگاه‌ها و سایر مراکز پژوهشی در کشور که سالیانه از بودجه‌های پژوهشی قابل توجهی بهره برده و مرکز اصلی علم آموزی هستند، باید به عنوان محور اصلی تولید علم و دانش لحاظ شده و این وظیفه از آنان و اعضای هیئت علمی این مراکز مطالبه شود. لذا "مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت" قاعداً نباید مرکزی در عرض مراکز یاد شده باشد و خود به تولید علم و دانش در زمینه الگو بپردازد. بلکه باید از ظرفیت همه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور استفاده نموده و آن‌ها را در مسیر یاد شده هدایت نماید.

۵- مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در مهرماه سال جاری، متنی را تحت عنوان سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر نمود. این متن که پس از هفت سال از تأسیس این مرکز و صرف میلیاردها تومان به عنوان مبنای الگوی پیشرفت منتشر شده است، قاعداً به عنوان نماد عقل جمعی ایرانیان در تولید الگوی پیشرفت

۱- توسعه، مفهومی کلی و دارای ابعاد وسیع و پیچیده ای است که همواره دغدغه حکومت‌ها و ملت‌های دنیا خصوصاً کشورهایی که با عنوان «در حال توسعه یا توسعه نیافته» از آن‌ها یاد می‌شود بوده و هست. اساساً مسأله توسعه به معنای مورد بحث در پی آرایش جدید جهانی کشورها در یک و نیم قرن اخیر مطرح شد؛ زمانی که با ایجاد تحولات صنعتی و ظهور ترتیبات خاص اقتصادی در کشورهای غربی، رشدهای چشم‌گیری در وضعیت اقتصادی و رفاه مادی این کشورها بوجود آمد و آن‌ها را با عنوان کشورهای توسعه یافته به جهان معرفی کرد. این پیشرفت‌ها که البته سطحی از آن مدیون عملکرد استعماری آن‌ها در دیگر کشورها در سالیان متمادی بود، بعنوان شاخص پیشرفت و توسعه مطرح شد و کشورهای به اصطلاح توسعه نیافته، آرمان خود را در دستیابی به وضعیت آن‌ها ترسیم نمودند. همچنین مباحث نظری و اکادمیکی که تحت عنوان دانش توسعه یا توسعه اقتصادی در دانشگاه‌ها مطرح و تدریس می‌شوند نیز با همین پیش‌فرض و به با هدف توسعه در کشورهای توسعه نیافته شکل گرفته‌اند.

۲- با مطرح شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی رهبر انقلاب، هیجانی علمی در بین اندیشمندان کشور و خصوصاً افراد مؤمن به آرمان‌های انقلاب اسلامی ایجاد شد و گفتمان احیای اسلام ناب محمدی به عنوان اسلام متجلی در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و الگویی نظام‌ساز و تمدن‌ساز جان تازه ای گرفت. ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حاوی تأکید بر سه رکن اساسی در مقوله توسعه است. اولاً به جای لفظ توسعه، از کلمه پیشرفت استفاده شد، چراکه واژه توسعه برخوردار از بار ارزشی است که طریق خاصی از رشد و پیشرفت برای کشورها را یادآوری می‌کند که عمدتاً بر آنچه در غرب و تمدن شکل گرفته در آن رخ داده، نظر دارد. دوم، تأکید بر اسلامیت الگوی پیشرفت است که نشان دهنده نقش ضروری دین اسلام و آموزه‌های آن در این مسیر است. و اما رکن سوم تأکید بر ایرانیت الگو است که نشان می‌دهد عناصر بومی (جغرافیایی، تاریخی و ...) در این الگو دارای اهمیت است.

۳- اهمیت مسأله الگوی پیشرفت تا آن جایی است که می‌توان آن را اساسی‌ترین اولویت کشور به حساب آورد. امروز کشور با مسائل مختلفی دست و پنجه نرم می‌کند. از بازار داغ مسائل و مشکلات اقتصادی همچون تورم، بی ثباتی، بیکاری، نظام پول و بانکی و ... گرفته تا بسیاری مسائل فرهنگی، آموزشی و تربیتی، مسائل زیست محیطی همچون بحران آب و ... تمامی مسائلی که به نحوی دغدغه و دلمشغولی مردم و اندیشمندان را به همراه داشته و دارد. ریشه یابی عمیق این مشکلات، خبر از فقدان یک الگوی منسجم و جامع در اداره کشور می‌دهد. بسیاری از نهادهای اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور، برگرفته از





کتابخانه دیجیتال حسین زاری  
را دیو تحریر

## جوانی بیک کارن کرده!

زهرا براتی



دنیا را چه کسانی ساخته اند؟ چه کسانی فتح کرده اند؟ و چه کسانی آینده را رقم زده اند؟ امروز ژاپن مدیون ۱۸ ساعت کاری بود که مردمش انجام می دادند و تنها پول ۸ ساعت آن را می گرفتند! آمریکا را مهاجران سرایا انگیزه ساختند. مسئولیت ایران آینده بر عهده ی کیست؟

براستی که جوانی کردن به چه معناست؟ جوان در فطرت و ذات خود کدام راه را برمیگزیند؟ عیش بی حد یا رسیدن به هدفی که جوانی را برایش معنا کند؟

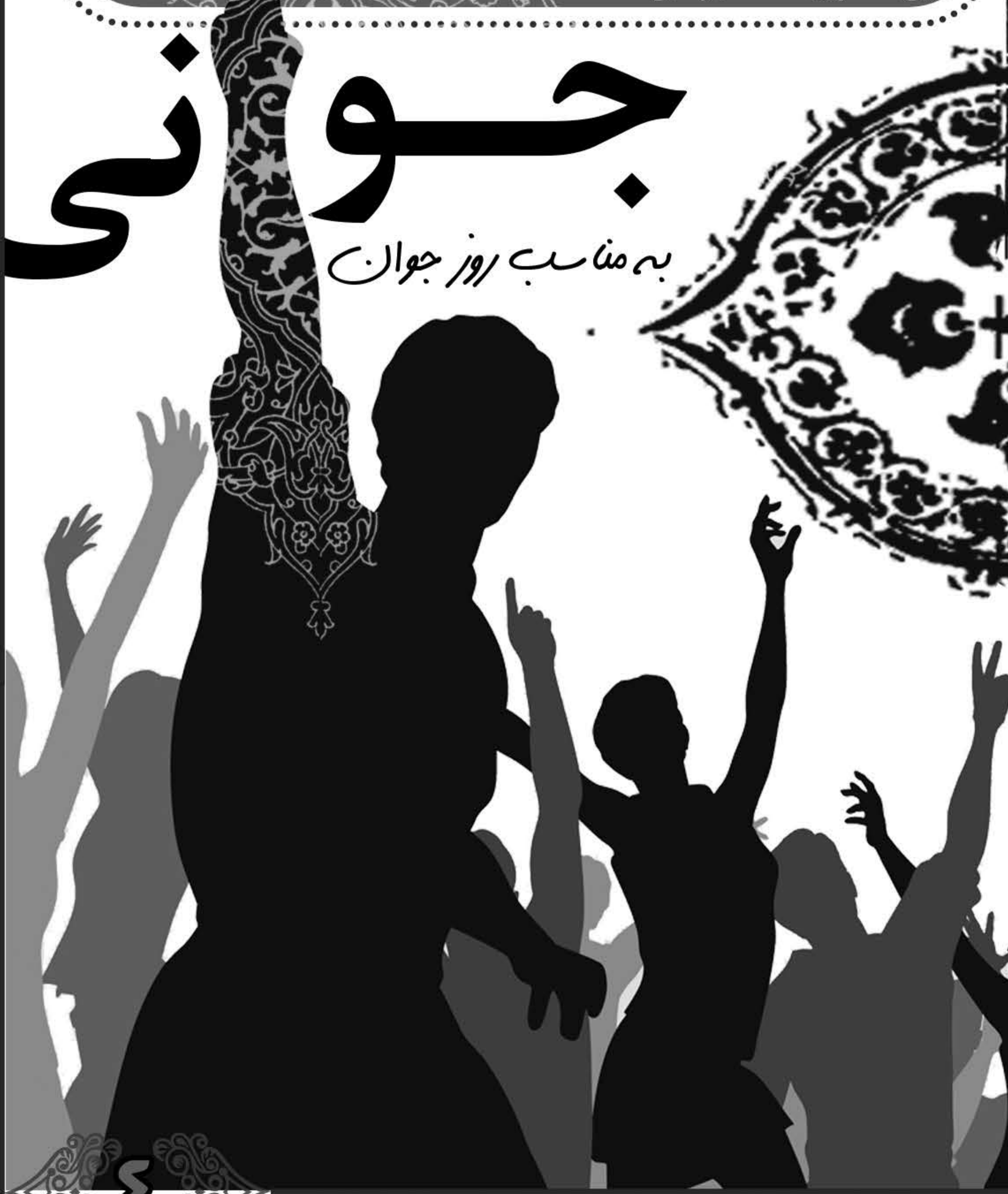
اگر ما جوانان بخواهیم همانند جوانان موفق همه ی ادوار تاریخ به ندای فطرتمان پاسخ دهیم و در زندگیمان به خواسته ها و اهداف آرمانی خود و جامعه مان برسیم باید دارای ویژگی هایی باشیم؛

احساس نیاز به پیشرفت اولین ویژگی است که ما را دغدغه مند میکند ولی ویژگی که ما را به حرکت وامیدارد، اراده است.

احساس مسئولیت؛ اگر ما نسبت به خود، جامعه و آینده مان احساس مسئولیت نکنیم و خود به دنبال یافتن راه نجات و رفع موانع نباشیم باید همیشه منتظر مسئولانی خسته بمانیم که مشکلات را میخواهند با چرخش زبان حل کنند.

متأسفانه غالب فعالیت هایی که انجام میدهیم و ثمری ندارد به دلیل نداشتن انضباط است.

مثبت اندیشی، داشتن اعتماد به نفس و پشتکار از ملزومات دیگر جوان سازنده و موفق است. به هر حال باید بدانیم که اگر خواستار محیطی دارای امنیت، عزت، قنوت و توسعه هستیم باید به فکر اصلاح وضع موجود باشیم و این مهم ترین ماموریت ما جوانان است.



جوانی  
به مناسب روز جوان



کتابخانه دیجیتال حسین زاری  
را دیو تحریر

## از خلکوبه و سفره خانه ناخاندان طومان و شهادت

امیر حسین امینی



مجید متولد ۳۰ مرداد ۶۹ و تک پسر خانواده است. او بسیار خاکی و شوخ طبع است. از بچگی هم همین طور بامزه و مهربان و دنبال کمک کردن به نیازمندان بوده است. خانواده ی خود را نیز بسیار دوست داشته و با آن ها رابطه ای بسیار صمیمی دارد.

به گفته ی پدرش «مجید از آن دسته افرادی نبود که همیشه تسبیح به دست باشد و نماز اول وقت را بجای بیاورد. او حتی روزه هایش را هم چندان نمی گرفت. بنظر من دست و دلبازی و مردم داری مجید سبب شد تا برگه شهادتش امضا شود.»

مجید قهوه خانه داشت برای قهوه خانه اش هم همیشه نان بربری می گرفت تا «مجید بربری» لقب بامزه ای باشد که هنوز شنیدنش لبخند را یاد بقیه بیندازد بارها هم کنار نانوايي می ایستاد و برای کسانی که می دانست وضعیت مناسبی ندارند نان می خرید و به دستشان می رساند؛ قهوه خانه ای که به گفته پدر مجید تعداد زیادی از دوستان و هم رزمان مجید آنجا رفت و آمد داشتند که حالا خیلی هایشان هم شهید شدند:

آنچه از آغاز تحول و عاقبت بخیری او نام برده می شود، ریشه در باورهایی داشت که سرشت آقا مجید با آنها آمیخته شده بود. نفس سلیم مجید مثل آتش زیر خاکستری بود که در انتظار یک تلنگر نشسته بود تا صفای وجودش را بروز دهد آنچه از زمینه های قبلی انقلاب درونی این شهید بزرگیوار وجود دارد ماجراهای زیادی است که در بیان گوشه ای از آن پدرش شهید میگوید:

«اربعین سال ۹۳ مجید به همراه پسر عموی همسر من برای پیاده روی به کربلا رفته بود. یک روز زن عموی همسر من از مجید پرسید که مهدی از امام حسین (ع) خواسته بود تا پس از آنکه برگشت برایش به خواستگاری برود. تو از ایشان چه خواسته ای؟ مجید به او گفته بود که بین الحرمین ایستادم. نگاهی به امام حسین (ع) انداختم و نگاهی دیگر به حضرت ابوالفضل (س). سپس از آنها خواستم تا آدم بشوم. همین اتفاق افتاد و مجید متحول شد. هر شب زیر پتو گریه می کرد. در هیئت ها رفتار خاص شده بود. در یکی از فیلم هایی که برایمان فرستاده بودند دیدیم در هفت روزی که مجید به سوریه اعزام شده بود، همه سینه زنی می کردند اما مجید کنار ضریح حضرت رقیه (س) تکیه داده بود و اشک می ریخت. به نظر می رسد ایشان برگه شهادت مجید را امضا کردند. برای اولین بار بود که گریه های مجید را در آن فیلم می بینم»

مجید تصمیمش را گرفته است؛ اما با هر چیزی شوخی دارد. حتی با رفتنش. حتی با شهید شدنش. پس از شهادتش کلیپی از دوره آموزش اش در انارکی پخش میشود که می گوید: «من مجید هستم، ۱۰ روز است که قلیان را ترک کردم» همانی که روزانه ۱۵ بار قلیان می کشید. پدر شهید می گوید «او به خاطر حضرت زینب (س) رفته بود. به نظر من خدا این بندگان مخلص را گلچین می کند. مجید دو قهوه خانه و چند ماشین و موتور داشت. در آمدش بسیار بالا بود، اما او همه اینها را کنار گذاشت و به جبهه رفت.»

وقتی که مجید در هیئت مرتضی کریمی به اصطلاح رگ غیرتش باد کرد و خونسش به جوش آمد به این در و آن در می زند که به سوریه اعزام بشود و خیلی جاها هم می رود اما او رابه خاطر تک پسر بودنش رد میکنند تا اینکه مجید به

گردان فاتحین اسلام شهر می رود





گویید نام حسین آزادی را



آزادی اجتماعی یعنی چه؟ یعنی بشر باید در اجتماع، از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند؛ او را محبوس نکنند؛ به حالت یک زندانی درنیاورند که جلوی فعالیتش گرفته شود؛ دیگران او را استثمار نکنند؛

استخدام نکنند، استعباد نکنند، یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منفعت خودشان به کار نگیرند؛ این را می گویند آزادی اجتماعی. خود آزادی اجتماعی هم می تواند انواعی داشته باشد که فعلا کاری بآن نداریم. پس یکی از اقسام آزادی، آزادی اجتماعی است که انسان از ناحیه افراد دیگر آزاد باشد.

یکی از گرفتاری های زندگی بشر، در طول تاریخ همین بوده است که افراد نیرومند و قدرتمند، از قدرت خودشان سوء استفاده کرده و افراد دیگری را در خدمت خودشان گرفته اند و آنها را به منزله برده خودشان قرار داده اند و میوه وجود آنان را که باید متعلق به خودشان باشد، به نفع خود چیده اند.

در نص قرآن مجید، یکی از هدف هایی که انبیاء داشته اند، این بوده است که به بشر آزادی اجتماعی بدهند، یعنی افراد از اسارت و بندگی و بردگی یکدیگر نجات بدهند. قرآن کتاب عجیبی است؛ بعضی از معانی و مفاهیم است که در یک عصر به اصطلاح، زنده می شود؛ گل می کند، اوج میگیرد، ولی در عصر های دیگر آن قدر اوج نداشته است. در بعضی از عصر ها می بینیم که برخی از کلمات، به حق اوج می گیرد. وقتی به قرآن مراجعه می کنیم، می بینیم چقدر در قرآن این کلمه اوج دارد، و این عجیب است. یکی از حماسه های قرآنی، همین موضوع آزادی اجتماعی است. من خیال نمی کنم که شما بتوانید، جمله ای زنده تر و موجدارتر از جمله ای که در این مورد در قرآن هست، پیدا کنید؛ شما در هیچ زمانی پیدا نخواهید کرد، نه در قرن هجدهم، نه در قرن نوزدهم و نه در قرن بیستم، در این قرن هایی که شعار فلاسفه آزادی بشر بوده است و آزادی بیش از اندازه زبانزد مردم بوده و شعار واقع شده است، شما جمله ای پیدا کنید زنده تر و موجدارتر از این جمله ای که قرآن دارد:

((ای پیغمبر! به این کسانی که مدعی پیروی از یک کتاب آسمانی گذشته هستند، به این یهودی ها، مسیحی ها، زرتشتی ها و حتی شاید به این صابئی ها که در قرآن اسمشان آمده است و به همه ملت هایی که پیرو یک کتاب قدیم آسمانی هستند، این طور بگو: بیاید همه ما جمع شویم دور یک کلمه، زیر یک پرچم.))

برنامه های طنز همیشه به عنوان یکی از قسمت های مهم و پرطرفدار صدا و سیما بوده و هست و دیده ایم که در بازه هایی آثاری ساخته شده که تا سال های سال همچنان بازپخش و طرفدار دارد.

دهه هشتاد با آثار مهران مدیری همچون برره، باغ مظفر، مرد هزار چهره و یا آثار مناسبتی رضا عطاران دوران موفقی برای صدا و سیما بود ولی هرچه از آن دوران گذشت شاهد افت کیفی سریال های طنز در تلویزیون شدیم.

توجه به اینکه مخاطب میلیونی تلویزیون و ذائقه شناسی درست مخاطبان مختلف زمینه های ساخت آثار موفقی بود اما متأسفانه هرچه نویسندگان بیشتر به اتاق های بسته و بدون ارتباط با کف جامعه رو آوردند شاهد ساخت آثاری شدیم که فضای زندگی، ارتباطات اجتماعی و معضلات فرهنگی کاملاً متفاوتی با جامعه ایرانی دارند.

### افت دیگری که صدا و سیما در این سال ها با آن درگیر شده بود پایتخت پسندی است

یغلی اغلب فیلم ها و سریال های ما زندگی و درگیری های مردم در تهران را به تصویر کشیدند تا صفا و صمیمیت مردم شهرستان و این در حالی است که صدا و سیما خود تجربه کرده که سریال پایتخت با فرهنگ شهرستانی چقدر در جای جای کشور طرفدار پیدا کرده است.

البته باید اشاره کرد تاسیس شبکه نسیم قدمی رو به جلو بود که جای تشکر و قدردانی از مدیران سیمای کشور دارد ولی شاهد آن هستیم که در زمان هایی که برنامه های پرمخاطب مانند خندوانه و دوره می پخش نمی شوند افت مخاطبان این شبکه نیز کاملاً محسوس است و این نیز خود سندی بر ذائقه شناسی نادرست در سایر برنامه های این شبکه می باشد.

ساخت برنامه های طنز شبکه نسیم به شیوه جدید تقریباً با خندوانه شروع شد البته نقطه اوج خندوانه را باید فصل دوم و حضور جناب خان در این برنامه دانست و یا دوره می که با ظاهر و شیوه ای جدید نسبت به خندوانه با معرفی شخصیتی به نام قیمت به محبوبیتی به مراتب بیشتر از خندوانه میان مردم رسید.

یکی از ستون های اصلی که بار طنز این برنامه ها را به دوش می کشد بخش استندآپ کمدی است که این روز ها بشدت جا افتاده و جوانان هم علاقه مند به دیدن و هم مشتاق رسیدن به مشهوریت بالای این حرفه هستند. برگزاری مسابقه خندانشده شو زمینه حضور افراد توانا و علاقه مند را فراهم کرد که به نوبه خود جای تقدیر از عوامل این برنامه را داشت اما باید توجه کرد که خودمانی و خانوادگی بودن دو کلید واژه موفقیت خندوانه بود که با حضور استندآپ کمدین های جوان تهدید هایی نسبت به عملکرد خوب این مجموعه شد.

درست است که تیم خندوانه قصد آزاد گذاشتن افراد برای این مسابقه را داشت اما باید عرض کنیم محتوایی که در برنامه ای با مخاطب میلیونی عرضه می شود باید چندین بار از فیلتر های کارشناسانه در زمینه های مختلف عبور کند تا فقط هدفمان خندان خشک و خالی و بدون محتوا نباشد چرا که اگر هدف فقط خندیدن است می توان به سینما مراجعه کرد که امروز پر از فیلم های طنز بی محتوا و بعضاً مبتذل شده که فقط دو ساعت شما را بدون ایجاد یک سوال و یا به تصویر کشیدن یک معضل اجتماعی یا فرهنگی میخنداند.

با پایان اربعین حسینی و گذشت روز های پایانی ماه صفر شروع پخش مجدد خندوانه نیز آغاز خواهد شد خواست اصلی مخاطبان شوخی های به جا و تاثیرگذار جناب خان و فرهنگ سازی در این برنامه پرمخاطب می باشد همچون فصل دوم و طرح های کتاب خوانی که در فصل های جدید جای خود را به خندان بی محتوا داده اند.

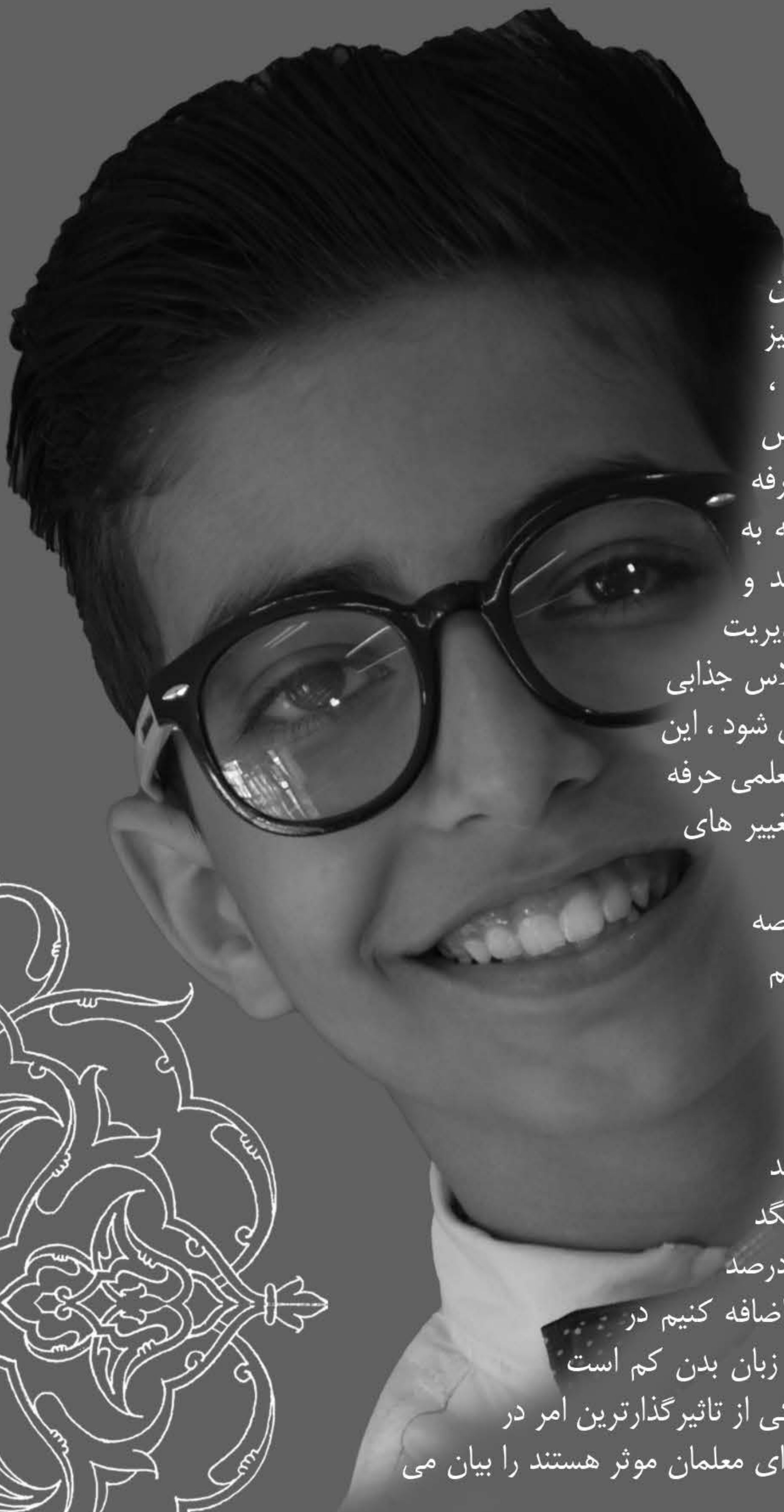
باید از ظرفیت های طنز برای رسیدن به جامعه متعالی استفاده کرد و با این کار به هر دو هدف می رسیم یعنی خندان مردم و ایجاد فضای نشاط آور برای گذران اوقات فراغت خانواده ها و هم عرضه محتوای مناسب برای جلب توجه مردم و اصلاح معضلات و فرهنگ یا عادات اشتباه.



## مهارت های حرفه ای معلم

### موضوع مهارت این ماه: پوشش حرفه ای معلم

محمد رضا بختیاری



همه می دانیم ، هرگاه افرادی بخواهند در کار خود همچون عنصری حرفه ای مطرح شوند ، باید شرایط و ملزومات آن را هم داشته باشند . اصولاً حرفه ای شدن در هر کاری قواعد خاص خود را دارد . حرفه ای معلمی نیز از این قاعده مستثنی نیست . اغلب به غلط تصور می کنیم که معلمان با تجربه و برخوردار از دانش و اطلاعات سطح بالا معلمان حرفه ای نیز هستند . هر چند موارد ذکر شده برای هر معلم حرفه ای شرط لازم است ، اما کافی نیست . چه بسا معلمانی را سراغ داریم که در رشته ای که تدریس می کنند سوابقی بس طولانی دارند ، اما نتوانسته اند همچون معلمی حرفه ای عمل کنند ؛ به عبارتی در جلب توجه علاقه ی دانش آموزان چه به لحاظ روش تدریس و چه به لحاظ مدیریت کلاس موفق نبوده اند و همچنین با معلمانی مواجه بوده ایم که از لحاظ روش تدریس و مدیریت در وضعیت مطلوبی قرار داشته اند ، اما به هیچ وجه نتوانستند کلاس جذابی را برای فراگیرندگان فراهم آورند . سوالی که در اینجا مطرح می شود ، این است که چه عواملی سبب شده تا اینگونه افراد نتوانند همچون معلمی حرفه ای عمل کنند . و اصولاً به غیر از دانش و سابقه تدریس ، آیا متغیر های دیگری نیز در حرفه ای شدن یک معلم دخالت دارند؟

مهارت های حرفه ای معلم فقط در داشتن علم و دانش خلاصه نمی شود بلکه امور دیگری هستند که در کنار علم یک معلم او را موثر و تاثیر گذار می نماید به طور مثال شما معلمی را در نظر بگیرید که به همراه کت و شلوار یک کتانی ورزشی بپوشد هرچند هم این معلم دانش لازم را داشته باشد اما ۵۵ درصد کار این معلم که همان زبان بدن او است می لنگد حال اگر محتوای بیانات او را هم نمره ی کامل ۷ درصد را بدهیم و همچنین ۳۸ درصد لحن و صدا را هم به آن اضافه کنیم در نهایت می شود ۴۵ درصد اما باز هم این عدد در مقابل ۵۵ درصد زبان بدن کم است بنابراین از این مثال ساده به اهمیت و ضرورت زبان بدن پی می بریم که یکی از تاثیر گذارترین امر در زبان بدن پوشش حرفه ای یک معلم است حال نکاتی که در امر پوشش حرفه ای معلمان موثر هستند را بیان می

کنیم

۱) پوشیدن کت و شلوار رسمی: برخی معتقد بر این هستند که پوشیدن کت و شلوار رسمی باعث می شود دانش آموزان حس غریبی و ارتباط گیری سختی با معلمان داشته باشند اما حال باید پرسید پس جایگزین کت و شلوار چه باید باشد؟!

اگر هم برای ارتباط گیری بیشتر با دانش آموزان مثل آن ها لباس بپوشیم باعث می شود تاثیر گذاری ما نسبت به دانش آموزان کمتر شود فلذا برای حل این مسئله اگر اصرار به پوشیدن کت دارید می توانید کت های تک و کتان بپوشید و با گذشت زمان و شناخت بیشتر و احساس راحتی کردن آنان باشما کت و شلوار رسمی با رنگ هایی همچون سرمه ای، قهوه ای، طوسی و... بپوشید

۲) ست کردن کفش ها با کمر بند: رنگ کفش ها با کمر بند یکسان باشد چرا که یک نظم و جلوه ی خاصی به پوشش شما می دهد اما باین وجود در مورد ترکیب رنگ کفش و کمر بند خودتان چندان نگران نباشید اگر کفش شما کمی تیره تر از کمر بند شما باشد یا بالعکس اتفاق خاصی نخواهد افتاد همین قدر که تلاش کنید رنگ هایی که می پوشید نزدیک هم باشند، کار خودتان را به خوبی انجام داده اید

۳) کفش خوب: یکی از تاثیر گذارترین بخش در زبان بدن کفش های شما می باشد چرا که در بیشتر مواقع در اولین نگاه مخاطب شما نگاهش به کفش های شماست بنابراین سعی کنید در صورت امکان کفشی چرم تهیه کنید تا هم دوام بیشتری داشته باشد و هم بتوانید آن را با واکنش زدن نو نگه دارید، با شخصیت تر به نظر برسید و همچنین محافظت بیشتری از قلب دوم خود یعنی پاهای خود با کفشی راحت و مناسب داشته باشید

۴) پیراهن با رنگ ملایم: در انتخاب پیراهن خود دقت داشته باشید که رنگ آن نه بسیار زنده باشد و نه خیلی دلگیر کننده بلکه پیراهنی را انتخاب کنید که رنگ آن مناسب با آن فصل و ایام باشد مثلاً پوشیدن لباس قرمز جیغ در ایام محرم اصلاً پوشش مناسبی نیست بنابراین سعی کنید پیراهنی که انتخاب می کنید به شان و شخصیت یک معلم بخورد نه اینکه مارک ها و عکس هایی که شخصیت یک معلم را زیر سوال می برد بپوشید

۵) استفاده کردن از عطر: سعی کنید از عطرهایی که بوی ملایمی دارند استفاده کنید در ارتباط گیری بسیار موثر است امام رضا (ع) استفاده از عطر را باعث انبساط روحی دانسته و می فرمایند: «چهار چیز است که دل را باز می کند و غم را از بین می برد: عطر زدن، غسل خوردن، سواری کردن و به سبزه نظر کردن!»

۶) استفاده از ساعت و انگشتر هم به زیبایی پوشش شما می افزاید اما لازم و ضروری نیست و...

فلذا پوشش خود را در ارتباط با مخاطبتان مخصوصاً دانش آموزان بسیار جدی بگیرید چرا که دانش آموزان لحظه به لحظه از تیپ، شخصیت، نحوه ی ارتباط گیری معلمان و امور دیگر تاثیر پذیرفته و معلمان خود را اسوه و الگوی خود می دانند موضوع ماهنامه ی بعدی: فن بیان یک معلم حرفه ای

نشریه بسیج دانشجویی تحریک







ناتریامی رود دیوار راست!

فاطمه رشیدی  
فارغ التحصیل دانشگاه فرهنگیان رشته ادبیات



با چشم به هم زدنی دانشگاه را بدرود گفتیم و به کسوت معلمی درآمدیم. خیلی زودتر از آنکه فکرش را بکنیم. بعد از پشت سر گذاشتن دلهره های سازمان دهی و اینکه کی کجا افتاد، روز موعود فرا رسید. با اینکه کوه اعتماد به نفس بودم و به گمان خودم آماده ی آماده، روز اول و ساعت اول در کلاس اولی، دست هایم می لرزید و قلبم محکم می زد و این برای همه ی ما اتفاق می افتد. ناخودآگاه، وقتی می بینی این همه گوش آماده ی شنیدن حرف های توست و تو باید بذریع تعلیم و تربیت را در قلب هایشان بپاشی، دچار اضطراب می شوی و البته وجدان درد! پس چاره ای نمی بینی جز آنکه کم و کاستی هایت را جبران کنی.

سر کلاس که رفتی تازه متوجه می شوی که دانشگاه برایت چه کرده و تو چه کرده ای. هم از کم کاری های خودت پاتک می خوری و هم واحد های نامربوط درسی که پاس کرده ای. هم دلت می سوزد که وقتت را پای کلاس فلان استاد سوزانده ای یا بالعکس، می گویی ای کاش محضر فلان استاد را بیشتر درک کرده بودم. آن موقع که دانش آموزت از تو سوالی می پرسد و یا آنوقت که اداره کردن کلاس برایت دشوار می شود، می فهمی که درس معلمی، همان بوده که در جانت نهادینه شده؛ نه آن هایی که خواندی و پاس کردی.

اگر عیب ها و کمبود های دانشگاه پرقیل و قال فرهنگیان را کنار بگذاری و آدم منصفی باشی و ایضا نخواهی مثل بعضی ها نق بزنی، اعتراف خواهی کرد که خودت هم کوتاهی کرده ای و در مواردی مقصر بوده ای. آن وقت که دیگران از فرصت ها استفاده می کردند و توانایی هایشان را شکوفا، جنابالی یا سر کلاس خواب می رفتی یا جلسه های کارورزی را می پیچاندی یا همه ی کمبودها را می چسباندی به قیمة نخود بدمزه ی سلف! تازه این یک قسمت کار است. دیگران را هم که امور فرهنگی با دستشان بود و درس می خواندند و از محضر اساتید استفاده می کردند، متهم می کردی به چاپلوس بودن و پایه نبودن!

بگذریم. اگر بخواهیم به محاسن و معایب دروس دانشگاه اشاره کنیم، باید گفت بدون اغراق، کارورزی بهترین و کارآمدترین درس در مجموع دروس بود. فرصتی بود برای فراگرفتن همه ی آن چیزی که احتیاج داری و در هیچ کتاب و یا درس تئوری نمی گنجند. آشنا شدن با محیط مدرسه، چگونگی برقراری ارتباط با همکاران و کادر دفتری، تجربه ی تدریس سر کلاس و... این ها همان درس هایی است که باید در جانت نهادینه می کردی. نا گفته نماند؛ تلخی نگارش و تدوین پروژه ی کارورزی، شیرینی حضور در مدرسه و تجربه ی تدریس را از بین می برد و بسیار وقت گیر و البته ناکارآمد بود.

آخر الامر؛ آنچه که به چشم دیده ام و حس کرده ام، این است که دانشگاه فرهنگیان با همه ی حرف و حدیث هایش، می تواند کارآمد باشد و تربیت شدگان حرفی برای گفتن دارند. اگر وقت بگذاریم و البته اهمیت دهیم به آموزش و پرورش کشور، می توان این دیوار کج را از نو و از پایه چید. آن وقت بر خلاف همیشه، تا تریا می رود دیوار راست!

تربیت و ترویج دانشجویی

Settings Contacts About

ارتباط مستقیم با مسئولین is typing ...

سلام آقای خودسیانی!

سلام عزیزم بفرمایید...

بیخشید چرا ده درصد پول توی تابستون از خوابگاهی ها می گیرید؟

برای تعمیر و نظافت و سازمان دهی خوابگاه ها

خوابگاه ها که مثل پارساله!! نه نظافتی شده نه چیزی... فقط دمپایی اضافه شده. اونم تهش سوراخه آب میره داخل اصلا نمی فهمیم نجسه یا پاکه

در جلسه ی شورای فرهنگی مطرح شد و تا هفته ی دیگه سوراخ دمپایی ها پر میشه...

مگه میشه؟! مگه داریم؟

ای بابا چرا یکی به من جواب نمیده!!

درود بر همگان... تا 100 روز دیگه همه ی سوراخ ها پر میشه

چه طوری اخه!!!

میخندی؟! نخند متحجر! باور نمیکنی بیا کلیداش موجوده نشونت بدم...

سلام پسر خوب.. بیگی هستم سوالی داشتید؟

سلام... من؟! سوال؟! شیب؟! نهههه سوالم کجا بود؟ فقط بیخشید میشه یه نکته ی کوچیک خدمت شما عرض کنم؟

حتما عزیزم...

چرا پارسال این همه برای دوربین هزینه کردید و دوباره امسال همون دوربین ها رو عوض کردید؟!

چه خوب سوال می پرسی و اطلاع داری... اون وقت اسمت چیه؟

...deleted account

Write a message...



قصه، جهل، مردم

شاعر: سعید رضا ظرفی  
کاریکاتوربست: علی عارف



یک نفر خود را میان قصه باکم می کند  
وان در خود را اسیر جهل مردم می کند

یک نفر دانش بخود پیش از اندازه ز پیش  
آن در سلیم بازی های بی فرجام خویش

هر دو دمای بی سال پر از موج عمیق  
کشته اند با اختیار و انتخاب خود غریق

ساده ای هرگز نشاند زر خورد کتاب  
می شود خورد هر کس سوزد از آن آفتاب

هر که پیش از حد سرش در صفحه می کوشی فرو  
کیمیای عمر او را در دوزخش ربود

دست شستن زان همه عادت بعد و مثل است  
سخت بیرون می رود پایی که در بند گل است



دانش آموزان که زیر زمین درس می خوانند

گروه آموزش و پرورش خبرگزاری رسانه معلم، به نقل از فارس، یک ماه از آغاز سال تحصیلی ۹۸-۹۷ می گذرد و در این مدت، دستگاه تعلیم و تربیت روزهای پرفراز و نشیبی را گذرانده است. اما عمده نگرانی‌هایی که از ابتدای امسال، همچنان خانواده‌ها را درگیر ساخته است، فضای آموزشی است؛ فضای آموزشی از دو جنبه کمیت و کیفیت، نظام آموزشی را تحت الشعاع قرار داده است. فضاهای فرسوده آموزشی در یک ماه گذشته، غم زیادی را به دل خانواده‌ها نشانده که یکی از آنها، ریزش بخشی از دیوار حیاط آموزشگاه مدرسه روستایی در سنندج بود؛ روز ۱۶ مهر ماه امسال به علت فرسوده بودن بنای دیوار مدرسه، یکی از دانش آموزان پایه اول این آموزشگاه به نام دنیا ویسی زیر آوار ماند و بر همیشه چشمانش بر زندگی بست. سید محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش اوایل شهریور امسال در خصوص وضعیت فضاهای آموزشی به خبرنگار فارس گفت: «نزدیک به یک سوم مدارس مان، مدرسی هستند که واقعا نیازمند تخریب، بازسازی یا مقاوم‌سازی هستند بین اینها یک تفاوت‌هایی وجود دارد ولی تقریباً یک سوم مدارس ما این گونه هستند و به نوعی ایمنی لازم را برای بچه‌ها ندارند».

وی ادامه داد: «از آن طرف اعتباراتی که برای آموزش و پرورش قرار می‌گیرد که البته رو به افزایش بوده است با نقطه ای که ما انتظار داریم، خیلی فاصله دارد. از ظرفیت خیرین مدرسه ساز خیلی استفاده کردیم».

خیلی کمک موثری بودند اما باز نتوانستیم به آن مرحله برسیم و من امیدوارم با مشارکت خیرین مدرسه ساز بتوانیم این کار را انجام دهیم» اما در کنار کیفیت فضای آموزشی، تعداد آنها نیز برای دانش آموزان کافی نیست و تعدادی از بچه‌های بزرگ در فضاهایی که با استانداردهای آموزشی فاصله دارد، تحصیل کنند. صادق محمدی مدیر آموزش و پرورش شهرستان قدس از توابع شهرستان‌های استان تهران ۳۰ مهر ماه در مراسم افتتاح مدرسه خیرساز دکتر رضا گل‌نراقی در این شهرستان اظهار کرد: «۶۲ هزار دانش آموز در یکی از پرمترکم‌ترین شهرستان‌های کشور داریم و ۸۶ کلاس ابتدایی بالای ۴۰ دانش آموز داریم».

وی با بیان اینکه ۲۰ کلاس در زیرزمین برگزار می‌شود، اظهار کرد: «کلاس در زیرزمین، فضای مطلوبی برای تدریس نیست». مادری که کلاس درس فرزندش در زیرزمین تشکیل می‌شود، به خبرنگار فارس گفت: «زیرزمین‌های مدارس جای مناسبی برای تشکیل کلاس نیستند چرا که تهویه مناسب ندارند و بچه‌ها در کلاس درس کلافه هستند و خوابشان می‌گیرد».

وی ادامه داد: «اگر در ساعت تحصیل دانش‌آموزان برق برود، کلاس آنقدر تاریک می‌شود که بچه‌ها تخته مدرسه را نمی‌توانند ببینند و در نتیجه آموزش صحیحی صورت نمی‌گیرد».

توجه به فضای آموزشی از الزامات تعلیم و تربیت صحیح است؛ هر چند تشکیل کلاس با تعداد زیاد دانش‌آموزان یا برپایی کلاس‌های درس در زیرزمین، موجب می‌شود دانش‌آموزی از تحصیل باز نماند اما توجه به کیفیت فضای آموزشی برای آموزش مناسب بسیار حائز اهمیت است.

۶۲ هزار دانش آموز در یکی از پرمترکم‌ترین شهرستان‌های کشور داریم و ۸۶ کلاس ابتدایی بالای ۴۰ دانش آموز داریم».



# سرمایه گذاری از نگاه یک دانشجو معلم!

علی رضا نجاتی



دانشجو معلمی فواید خیلی خیلی خیلی زیادی دارد. از جمله این فواید که تمام کنکوری ها را که نه اما اکثر آنها را به این شغل شریف کشانده است، چند مثال حقوقی است که به دانشجویها پرداخت می کنند، حقوقی که اگر چه کم است، اما از قدیم گفته اند حقوق معلم ها برکت دارد.

البته این پول آنقدر برکت دارد که یک دانشجو معلم می تواند هزینه های خودش را تامین کند و البته مقداری هم پس انداز نماید. اما کجا می تواند پس انداز کند؟ مدرسان شریف!!

از شوخی که بگذریم محل های سرمایه گذاری به پنج دسته تقسیم می شوند:

- ۱- خرید طلا
- ۲- خرید ارز
- ۳- خرید مستغلات و مسکن
- ۴- پس انداز پول در بانک ها و دریافت سود
- ۵- بورس اوراق بهادار

برخلاف تصورات موجود، طلا معمول، جز بازارهای ایمن برای سرمایه گذاری محسوب نمی شود. اما این بازار در زمانی که شرایط بانک ها نامطلوب است و وضعیت اقتصادی بحران زده است یکی از سرمایه گذاری های امن محسوب میشود و در کل قابلیت نقدشوندگی بالایی دارد.

بازار ارز نیز چندان جذاب نیست، زیرا نوسانات پول های مطرح بین المللی به ویژه دلار و یورو به شدت وابسته به تحولات سیاسی جهان است و به قول بعضی از کارشناسان، وابستگی این ارزها به سیاست بیشتر از ارتباط آنها با اقتصاد است.

خرید و فروش مسکن و مستغلات به مبلغ قابل توجهی نیاز دارد اما سرمایه گذاری خوبی است، شما دانشجو معلمان در صورت توانایی می توانید با وام و قرض، زمین یا ملکی را بخرید.

خرید زمین در منطقه ای نه چندان آباد نیز می تواند آینده ای را در پیش داشته باشد.

پس انداز کردن پول در بانک جز کم ریسک ترین و کم سودترین سرمایه گذاری های ممکن است که بیشتر افراد پول های خود را در بانک ها قرار می دهند که بانک ها در موارد دیگر سرمایه گذاری می کنند.

سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار مزایایی دارد که چهار مورد دیگر ندارند.

- ۱- نداشتن حد مجاز سرمایه گذاری در بورس نسبت به سایر بازارهای موازی (حداقل یک میلیون تا صدها هزار میلیارد ریال)
- ۲- قابلیت نقدشوندگی بالای بورس به این صورت که می توانید با چند کلیک پولتان را تبدیل به سهام کنید و بالعکس سهام تان را تبدیل به پول کنید

۳- بازه ی بالاتر بورس با توجه به ریسک بهینه

۴- با سرمایه گذاری در بورس، پول شما مستقیماً وارد چرخه ی صنایع مختلف کشور که در بورس هستند می شود و سبب می شود که چرخ صنعت بهتر از قبل بچرخد.

دانشجو معلمان محترم با توجه به اوقات فراغتی که در دانشگاه و خوابگاه دارند، می توانند با تحقیق و یادگرفتن اصول و فنون سبدگردانی در بورس، وارد بازار سرمایه شوند.

برای وارد شدن به بورس می بایستی در ابتدا کد بورسی مخصوص خود را دریافت کنید. فقط با مراجعه به کارگزاری های معتبر در سطح کشور می توانید وارد بورس اوراق بهادار باشید.

## روپاروی با پارکینسون

مقاله علمی دانشجویی

میرحسین زارعی



یکی از مهم ترین و پرسر و صدا ترین اخبار هفته گذشته، اعلام خبری درباره یافتن درمانی جدید برای بیماری پارکینسون است که توسط دانشگاه کوپننلند توسعه یافته است. پرفسور ترنت که نام MCC۹۵۰ وودرافت به نام پارکینسون را در مولکولی توسعه کرده است. مولکولی مغز برخی مدل های حیوانی متوقف کرده است.

پارکینسون شایع در جهان است که طی آن کنترل حرکات بدن تحت تاثیر قرار میگیرد و بیش از ده میلیون نفر به آن مبتلا هستند.

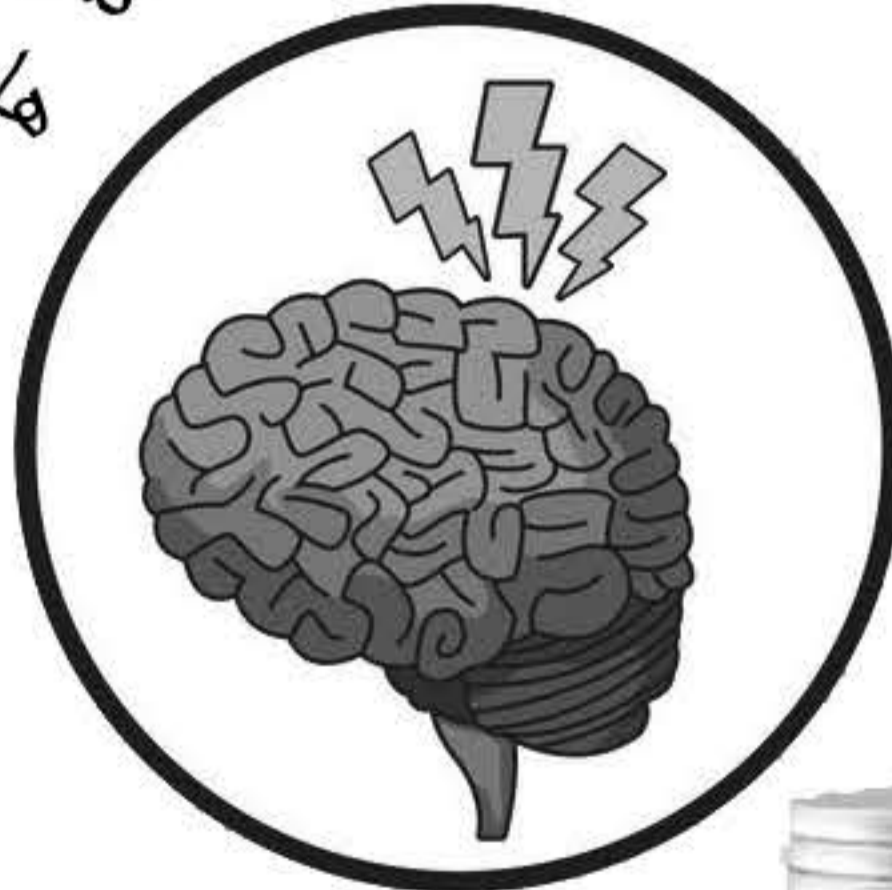


پارکینسون همان بیماری است که در پارکینسون مشاهده شده و نشانه های آن در مغز و خون یافت می شود. این بیماری بر اثر از بین رفتن سلول های دوپامین نوعی است که در مغز تولید می شود. هدف تحقیقات و سیستم AN-REP۳ را یافته است. به این بیماری عصبی شایع در جهان است که طی آن کنترل حرکات بدن تحت تاثیر قرار میگیرد و بیش از ده میلیون نفر به آن مبتلا هستند.



در حال حاضر هیچ دارویی در بازار وجود ندارد که از نابودی سلول های مغزی صرفاً نقش بهبود علائم را ایفا می کند.

همچنین این تیم می کنند. های مغزی به نام میکروگلیا تمرکز دارد که میتواند پروتیین های سمی را پاکسازی کند. پرفسور وودرافت گفته که تیم وی در تلاش است تا سال ۲۰۲۰ با آزمایش روی مدل های انسانی، درمان را کامل کند.



برای کسب اطلاعات بیشتر نرم افزار بارکد خوان تلفن همراه خود را مقابل این بارکد قرار دهید.





## سردرگمی شخصیت‌های کتاب فارسی ابتدایی

## کتاب

یکی از تفاوت‌هایی که در این داستان با داستان‌هایی مانند آریو برزن و رازی می‌توان قائل شد، تمرکز بر روی یک شخصیت واحد و بررسی پیشینه و دلیل برجسته شدن آن شخصیت است. اما در داستان نام آوران، چنین موردی را مشاهده نمی‌کنیم و صرفاً به گفتن اسم‌های شهدای هسته‌ای و بخشی کوتاه از خاطره یکی از آن شهدا پرداخته است و همین باعث سردرگمی بیشتر دانش‌آموزان می‌شود. روایت داستان به گونه‌ای بود که صرفاً رفع تکلیفی کرده باشد برای معرفی نام آوران امروزی.

می‌توان جدای از این که داستان می‌خواست بگوید نام آور آینده‌ی کشور شما دانش‌آموزان هستید که به نظر خود دانش‌آموزان که مخاطب اصلی هستند، در هیچ قسمت از داستان چنین نتیجه‌ای دریافت نمی‌شود، نویسنده قصد داشت شهدای هسته‌ای را که نام آوران امروز کشور هستند را نیز معرفی کند اما به خوبی از عهده این کار بر نیامده است.

در داستانی که برای معرفی استاد محمود فرشچیان نیز در همین کتاب استفاده شده است، باز هم به عدم استقبال از سوی دانش‌آموزان برمیخوریم. در واقع می‌توان گفت ما در کتب درسی، به درستی و آنگونه که شایسته است به معرفی شخصیت‌های برجسته امروزی نپرداخته ایم و رابطه‌ای بین شخصیت‌های گذشته و امروز برقرار نکرده ایم و همین امر باعث ایجاد سردرگمی در تدریس محتوای دروس و برداشت از معرفی شخصیت‌ها می‌شود. وقتی در کتاب‌های فارسی، به درستی سعی در معرفی شخصیت‌های امروزی و مخصوصاً شهدا نداریم، چه گونه می‌توان برای دانش‌آموز الگویی مناسب جامعه‌ی امروز را معرفی کرد؟! دانش‌آموزان ما در گذشته مانده‌اند. در داستان‌های جذاب خواجه نصیر و رازی و آریو برزن و حماسه‌های شاهنامه، که صد البته همه این موارد همانطور که در ابتدا ذکر شد، دارای ارزش‌های اخلاقی و رفتاری بسیاری است و هر ساله به سبک‌های جدید در حال ارائه به دانش‌آموزان است. ما در این میان، نقش شخصیت‌های برجسته امروز چه می‌شود؟! اگر قرار باشد اینگونه به معرفی نام آوران امروزی بپردازیم از آن‌ها چیزی جز یک نام در انتهای حافظه‌ی دانش‌آموزان نمی‌ماند که روزی در یکی از کتاب‌های مدرسه بیان شده بود.

حال در این شرایط خبر رسیده است که قرار است زندگی شهید حججی در کتاب درسی قرار گیرد و اگر بنا باشد با چنین سبک و سیاقی که شهدای هسته‌ای در کتاب فارسی ابتدایی به دانش‌آموزان معرفی شد، او نیز معرفی شود، بهتر است که این امر با خود معلمین و اگذار کنند تا خود با دانش و تخصصی که دارند و امکانات موجود، به انجام وظیفه بپردازند و محتوای کتب را بیش از این به انزوا نکشانیم.

در جامعه امروزی ما نیاز به الگو سازی از شخصیت‌های برجسته زمان حال هستیم و هر کدام را به گونه‌ای منسجم و مطلوب و طبق اصول مشخص به دانش‌آموزان معرفی کرد. معرفی شهدای دانشمند مانند احمدی‌روشن‌ها تا کسانی که در محافل علمی دنیا برای ایران افتخار آفریده‌اند مانند مریم میرزاخانی‌ها، و همچنین از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته‌ای که هنوز در قید حیات هستند مانند پروفسور سمیعی، یاد کرد و اسم آن‌ها را نگذاریم برای زمانی که از دنیا رفته‌اند تا فقط یادشان را گرامی بداریم. پیشنهادی که بنده‌ی حقیر به عنوان آموزگار دوره ابتدایی دارم این است که مولفین و نویسندگان گرامی و دست‌اندرکاران کشتی آموزش و پرورش کشور، سری به کتاب‌های نازنه تالیف شده‌ی ای که در کتاب‌های آموزشی موجود است و با توجه به علاقه و روان‌شناسی و فلسفه آموزش و پرورش جامعه‌ی امروزی در زمینه معرفی آثار دانشمندان و نام آوران فرهنگی و هنری گذشته و امروز می‌باشد پرداخته و به رشته تحریر در آورده‌اند، بزنند تا متوجه بشوند که برای دانش‌آموز جامعه‌ی امروزی چگونه باید کتابی تالیف کرد که دارای محتوایی جذاب و خواندنی است.

اگر نگاهی به فهرست کتاب فارسی خوانداری سال پنجم ابتدایی بیاندازید، مشاهده می‌کنید که در بخش‌هایی از این کتاب به معرفی چند تن از شخصیت‌های برجسته ایرانی در که در زمان‌های مختلف زندگی می‌کردند، پرداخته شده است. از ابو علی سینا تا آریو برزن و خواجه نصیرالدین توسی تا زمان حال؛ استاد فرشچیان و همچنین شهدای هسته‌ای. هر کدام با سبکی خاص، شخصیت‌های داستان را روایت کرده‌اند. و اگر داستان‌ها را با دقت بخوانیم متوجه تفاوت‌هایی در سبک نوشتاری و اثرگذاری داستان‌های زمان‌های گذشته و حال می‌شویم و این تفاوت‌ها را میتوان به راحتی در عکس‌العمل دانش‌آموزان بعد از خواندن داستان‌ها متوجه شد.

هنگامی که داستانی درباره شخصیت‌های برجسته‌ی گذشته، مانند ابوعلی سینا یا خواجه نصیر را برای دانش‌آموزانم می‌خواندم، بسیار تحت‌تأثیر روایت داستان قرار می‌گرفتم و علاقه مند بودم بار دیگر داستان را با لحن مناسب، برایشان بازخوانی کنم و همچنین نتایج اخلاقی و رفتاری‌ای که از آن داستان‌ها استنباط می‌شد قابل توجه بود و دانش‌آموزان مشتاقانه به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. اما در داستان‌هایی که روایت‌گر شخصیت‌های برجسته امروزی است، چنین عکس‌العمل‌هایی وجود نداشت و برای من به عنوان آموزگار، قابل تأمل بود.

همانطور که می‌دانیم یک داستان متشکل از مقدمه، تنه و پایان مناسب است و اگر به هر کدام از این بخش‌ها و ارتباط میان آن‌ها کم توجهی بشود، شاکله‌ی داستان از هم می‌پاشد و در نتیجه پایان خوشی در انتظار داستان نخواهد بود. مصداق این ماجرا را می‌توان در داستان‌های امروزی کتاب فارسی خوانداری به وضوح دید. اما چه طور می‌شود هنگامی که از روایت شخصیت‌های داستان‌های زمان گذشته به داستان‌های امروزی در کتب فارسی می‌رسیم، به یک سیر نزولی در جذب مخاطب دست پیدا می‌کنیم؟! بهتر است نگاهی به یکی از این داستان‌ها بی‌اندازیم تا به جواب سوالمان برسیم.

درس نهم؛ نام آوران دیروز، امروز، فردا:

داستان درباره دو نوجوان است که در بعد الظهر یکی از روزهای فروردین، سری به کتاب‌فروشی «خانه‌ی فرهنگ» می‌زنند و صاحب کتاب‌فروشی، آقای فرهنگ، از آن‌ها استقبال و به داخل کتاب‌فروشی دعوت می‌کند و به آن‌ها کتابی را معرفی می‌کند که درباره نام آوران زمان‌های گذشته تا به حال می‌باشد و به این نتیجه می‌خواهد برسد که نام آوران آینده، شما دانش‌آموزان هستید.

اگر چه داستان با مقدمه‌ای خوب شروع می‌شود و به خوبی از پس عناصر زمان و مکان برآمده است اما در تنه‌ی داستان و همچنین پایان، کمیتش لنگ می‌زند. قسمت پایانی داستان اینگونه است که وقتی یکی از آن‌ها به بخش نام آوران امروز می‌رسد که در این بخش منظورش شهدای هسته‌ای هستند، دوستش او را صدا می‌زند تا در فرصتی دیگر برگردند و کتاب را تهیه کنند و او قبل از رفتن، یک قسمتی از کتاب را که درباره خاطره‌ای از شهید احمدی‌روشن است می‌خواند و سپس از آقای فرهنگ خداحافظی می‌کند و راهی می‌شوند.

هنگامی که این داستان را برای دانش‌آموزانم خواندم و به پایان رسید، حالتی از تعجب و سردرگمی را در چهره آن‌ها مشاهده کردم که ناشی از متوجه نشدن داستان و عدم دریافت پیام از آن میشد. حق هم داشتند زیرا با تمامی داستان‌هایی که تا به حال خوانده بودند مانند داستان‌های آریو برزن، گلدان خالی و همچنین رازی و ساخت بیمارستان فرق داشت و از آنجایی که دانش‌آموزانم را با اجزای داستان که متشکل از زمان، مکان، رویداد، پیام داستان و شخصیت‌ها می‌شود، آشنا کرده بودم و می‌توانستند داستان‌ها را خود، تحلیل کنند و اجزا را بیان کنند.



# مذبحان عزم سفید العزم

G o m n a m 3 1 3 . i r



## تحریر را با رمزینہ دنبال کنید....

رمزینہ پاسخ سریع یا QR Code یک رمزینہ ماتریسی (یا بارکد دوبعدی) است که می توان آن را با پویندهای QR، تلفن همراه دوربین دار و تلفن هوشمند باز خوانی کرد. این بارکد در بردارنده چیدمانی از نقطه های مربع شکل سیاه رنگ (با نام ماژول) بر روی زمینه سفید است.



شما می توانید با دانلود نرم افزار QR CODE READER از کافه بازار و نصب آن بر روی تلفن همراه خود، QR CODE را اسکن نمایید تا محتوای آن برای شما به نمایش در آید.



## شہید مجید قربانخانی



nashryeh\_tahrir97